

نقد‌ها و بررسی‌ها



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی

۵. دیگران را از پیروی ظن باز داشته، حال آنکه خودش از ظن که چی حتی از خیال پیروی می‌کند. مهدی را درست آگاه نیست که متولد شده یا نه، ولی مطمئناً برای ظهور خیالی‌اش زمینه‌سازی می‌کند!

۶. تازمانی برای حکومت مهدی زمینه‌سازی نشود، او ظهور نمی‌کند، حال آنکه این خودش آن قدر بی‌مفهوم است که به هیچ عنوان همیشه توجیه‌اش کرد!

این‌ها مشت نمونه خروار است! خطی از کتابش را ندیدم که با خط دیگری در تناقض نباشد! به هر حال چی طرح رنگه‌ای که دارد این کتاب!

تاریخ: ۱۳۹۴/۱۰/۳۰

بررسی

حذر کن ز نادان ده مرده گوی
چو دانا یکی گوی و پرورده گوی
صد انداختی تیر و هر صد خطاست
اگر هوشمندی یک انداز و راست
برادر ارجمند!

به نظر می‌رسد که جناب‌عالی بر خلاف پندارتان، کتاب شریف «بازگشت به اسلام» را «کاملاً و بسیار دقیق» مطالعه نکرده‌اید، بلکه ناقص و بدون دقت مطالعه کرده‌اید و از این رو، نتوانسته‌اید از بند جهل، تقلید، اهواء، تعصب و تکبر آزاد شوید و به شناخت حق راه یابید. البته ما توقع نداریم که جناب‌عالی عقاید نادرست خود را پس از عمری به یکباره ترک کنید و به عقایدی مبتنی بر کتاب خداوند و سنت متواتر پیامبرش و منطبق بر عقل سلیم روی آورید، ولی توقع داریم که دست کم مقدمات این کار را در خود فراهم کنید تا پیش از فرا رسیدن مرگ و از دست رفتن فرصت توبه و اصلاح، به اسلام راستین بازگردید و در غفلت و گمراهی از دنیا نروید؛ چنانکه خداوند فرموده است: ﴿فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ الْقَيِّمِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا مَرَدٍّ لَهُ مِنَ اللَّهِ^۱ يَوْمَئِذٍ يَصَّدَّعُونَ﴾؛ «پس روی خود را به سوی دین راستین بگردان، پیش از آنکه روزی فرا رسد که بازدارنده‌ای برای آن از خداوند نیست، در آن روز پراکنده می‌شوند» و فرموده است: ﴿وَأَنِيبُوا إِلَىٰ رَبِّكُمْ وَأَسْلِمُوا لَهُ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ﴾؛ «و به سوی

۱. الزوم / ۴۳

۲. الزمر / ۵۴

پروردگارتان بازگردید و برای او تسلیم شوید، پیش از آنکه شما را عذاب فرا رسد، در آن هنگام یاری نمی‌شوید».

با این مقدمه، توجّه جناب‌عالی را به نکات زیر جلب می‌کنیم:

۱. تردیدی نیست که بی‌احترامی به اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم جایز نیست و این نکته‌ای است که حضرت علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی در کتاب شریف «بازگشت به اسلام» مبحث «لزوم احترام به اصحاب پیامبر»^۱ بر روی آن تأکید فرموده، تا جایی که بی‌احترامی‌کنندگان به آنان را در صورتی که بر آن اصرار داشته باشند، فاسق و ظالم دانسته است، ولی روشن است که احترام به اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، به معنای تأیید همه‌ی کارهای آنان نیست؛ چراکه تأیید همه‌ی کارهای آنان، نه امکان دارد و نه جایز است؛ امکان ندارد به دلیل اینکه بسیاری از کارهای آنان خصوصاً پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، با یکدیگر تعارض و اختلاف داشته و با این وصف، تأیید همه‌ی آن‌ها با هم جمع ضدّین شمرده می‌شود که غیر ممکن است و جایز نیست به دلیل اینکه تأیید همه‌ی کارهای آنان بدون نقد و بررسی، تقلید کورکورانه از غیر معصوم شمرده می‌شود که حرام است. از اینجا دانسته می‌شود که تأکید حضرت علامه خراسانی حفظه الله تعالی بر «لزوم احترام به اصحاب پیامبر» در عین نقد و بررسی کارهای آنان بر پایه‌ی قرآن و سنت متواتر، «تناقض فاحش» نیست، بلکه عین عقلانیت و اعتدال اسلامی است.

آری، کسانی که از عقلانیت و اعتدال اسلامی برخوردارند و از بند تقلید و تعصّب رهایی یافته‌اند می‌دانند که غلوّ درباره‌ی اصحاب پیامبر، به اندازه‌ی بی‌احترامی به آنان ناپسند است و مبرّأ دانستن آنان از هر خطا، اشتباه و نسیانی، غلوّ درباره‌ی آنان شمرده می‌شود؛ علاوه بر اینکه تکذیب خداوند و پیامبر او نیز است؛ چراکه خداوند در کتاب خود، به روشنی از خطاها، اشتباه‌ها و نسیان‌های آنان یاد کرده و از احتمال بازگشت آنان به گذشته‌ی‌شان پس از درگذشت پیامبرش خبر داده^۲ و پیامبرش نیز در روایاتی متواتر و مشهور، از دگرگونی و انحراف برخی از آنان پس از خود خبر داده و به عنوان نمونه فرموده است: «يَرِدُ عَلَيَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ رَهْطٌ مِنْ أَصْحَابِي فَيُجْلَوْنَ عَنِ الْحَوْضِ، فَأَقُولُ: يَا رَبِّ أَصْحَابِي! فَيَقُولُ: إِنَّكَ لَا عِلْمَ لَكَ بِمَا أَحَدْتُوا بَعْدَكَ، إِنَّهُمْ أَزْتَدُّوا عَلَىٰ أَدْبَارِهِمُ الْقَهْقَرَىٰ»؛ «در روز قیامت گروهی از اصحابم بر من وارد می‌شوند، پس از حوض رانده می‌شوند، پس می‌گویم: پروردگارا! این‌ها اصحابم هستند! پس می‌فرماید: تو نمی‌دانی که پس از تو چه کارها کردند! آنان همواره با پشت به سوی گذشته‌ی

۱. ص ۲۲۵

۲. نگاه کنید به: بازگشت به اسلام، ص ۱۵۹.

خود بازگشتند» و فرموده است: «يُجَاءُ بِرِجَالٍ مِنْ أُمَّتِي فَيُؤْخَذُ بِهِمْ ذَاتُ الشَّمَالِ فَأَقُولُ: يَا رَبِّ أَصْحَابِي! فَيَقَالُ: إِنَّكَ لَا تَدْرِي مَا أَحْدَثُوا بَعْدَكَ! فَأَقُولُ كَمَا قَالَ الْعَبْدُ الصَّالِحُ: ﴿وَكُنْتُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا مَا دُمْتُ فِيهِمْ فَلَمَّا تَوَفَّيْتَنِي كُنْتُ أَنْتَ الرَّقِيبَ عَلَيْهِمْ﴾^۱، فَيَقَالُ: إِنَّ هَؤُلَاءِ لَمْ يَزَالُوا مُزْتَدِّينَ عَلَى أَعْقَابِهِمْ مُنْذُ فَارَقْتَهُمْ»؛ «(در روز قیامت) مردانی از ائمترا می آورند، پس به طرف چپ (به سوی آتش) می برند، پس می گویم: پروردگارا! این ها اصحاب من هستند! پس گفته می شود: تو نمی دانی که بعد از تو چه کردند! آن گاه من چیزی را می گویم که بنده ی صالح (عیسی علیه السلام) گفت: <من تا وقتی در میان شان بودم شاهد کارهاشان بودم، پس چون من را از دنیا بردی تو ناظر بر آنان بودی>، پس گفته می شود: آنان از وقتی که تو از میان شان رفتی همواره به پشت سر خود بازگشتند» و فرموده است: «لَيَرِدَنَّ الْحَوْضَ عَلَيَّ رِجَالٌ حَتَّى إِذَا رَأَيْتُهُمْ زَفَعُوا إِلَيَّ فَأَخْتَلِجُوا دُونِي فَلَأَقُولَنَّ: يَا رَبِّ أَصْحَابِي! أَصْحَابِي! فَيَقَالُ: إِنَّكَ لَا تَدْرِي مَا أَحْدَثُوا بَعْدَكَ! فَأَقُولُ: بُعْدًا بُعْدًا - أَوْ قَالَ: - سُحْقًا سُحْقًا لِمَنْ بَدَّلَ بَعْدِي»؛ «(مردانی به سوی حوض می آیند که چون آنان را می بینم، از من باز داشته می شوند و به عقب رانده می شوند، پس می گویم: خدایا! اصحابم! اصحابم! پس گفته می شود: تو نمی دانی که بعد از تو چه کردند! پس می گویم: دور باد دور باد هر کسی که بعد از من تغییر داد!»^۲.

از اینجا دانسته می شود که ذکر خطاها، اشتباه ها و نسیان های اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم پس از آن حضرت، به معنای بی احترامی به آنان نیست، تا چه رسد به اینکه بی احترامی به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم باشد؛ زیرا از یک سو امر به معروف و نهی از منکر که یکی از فرائض اسلام است، بدون ذکر خطاها، اشتباه ها و نسیان ها ممکن نیست، در حالی که هیچ کس آن را به معنای بی احترامی نمی داند و از سوی دیگر هر کسی در پیشگاه خداوند مسؤول کارهای خویش است و خطاها، اشتباه ها و نسیان های کسی به حساب کسی دیگر نوشته نمی شود؛ خصوصاً به حساب کسی که وظیفه ی امر به معروف و نهی از منکر را انجام داده و او را از خطاها، اشتباه ها و نسیان هایش بر حذر داشته است!

۲. حضرت علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی در مبحث «اختلاف مسلمانان»^۳ و «حاکمیت غیر خداوند»^۴ از کتاب شریف «بازگشت به اسلام»، با استناد به یقینی ترین نصوص

۱. المائدة/ ۱۱۷

۲. برای این روایات، نگاه کنید به: مسند أحمد، ج ۱، ص ۲۳۵، ۳۸۴، ۴۰۲، ۴۰۷ و ۴۳۹؛ صحیح البخاری، ج ۵، ص ۱۹۲ و ۲۴۰ و ج ۷، ص ۲۰۶ و ۲۰۸ و ج ۸، ص ۸۷؛ صحیح مسلم، ج ۱، ص ۱۵۰ و ج ۷، ص ۶۷ و ۶۸ و ج ۸، ص ۱۵۷؛ سنن الترمذی، ج ۴، ص ۳۸ و ج ۵، ص ۴؛ سنن النسائی، ج ۴، ص ۱۱۷؛ سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۰۱۶ و منابع فراوان دیگر.

۳. ص ۱۱۱

۴. ص ۱۲۶

و ادله‌ی اسلامی اثبات فرموده که حاکمیت در اسلام تنها برای خداوند است؛ چنانکه فرموده است: «إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ»^۱؛ «حکمرانی جز برای خداوند نیست» و فرموده است: «لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»^۲؛ «حکومت برای اوست و ستایش برای اوست و او بر هر چیزی تواناست» و فرموده است: «ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَأَنَّى تُصْرَفُونَ»^۳؛ «آن است خداوند پروردگارتان که حکومت برای اوست، جز او خدایی وجود ندارد، پس به کجا روی می‌گردانید؟!» و کسی با او در آن شریک نیست؛ چنانکه فرموده است: «مَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا يُشْرِكُ فِي حُكْمِهِ أَحَدًا»^۴؛ «آنان را به جز او هیچ سرپرستی نیست و در حکومت خود کسی را شریک نمی‌کند» و فرموده است: «الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ»^۵؛ «کسی که حکومت آسمان‌ها و زمین برای اوست و فرزندی نگرفته است و برای او شریکی در حکومت نیست» و فرموده است: «ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ وَالَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ مَا يَمْلِكُونَ مِنْ قِطْمِيرٍ»^۶؛ «آن خداوند پروردگارتان است که حکومت برای اوست و کسانی جز او که می‌خوانید رشته‌ی هسته‌ی خرمایی را مالک نیستند» و او حاکمیت خود را به هر کس از بندگان که بخواهد می‌دهد تا به امر او حکومت کند؛ چنانکه فرموده است: «وَاللَّهُ يُؤْتِي مُلْكَهُ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ»^۷؛ «و خداوند حکومت خویش را به هر کس که بخواهد می‌دهد و خداوند گشاینده‌ای داناست» و فرموده است: «قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكِ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ»^۸؛ «بگو خداوند! مالک حکومت تویی! حکومت را به هر کس که بخواهی می‌دهی و از هر کس که بخواهی باز می‌گیری»؛ همچنانکه به عنوان نمونه، حکومت خویش را به طالوت داد، در حالی که اصحاب پیامبرش، به حکومت او راضی نبودند و خود را به حکومت از او شایسته‌تر می‌پنداشتند؛ چنانکه فرموده است: «وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا قَالُوا أَنَّى يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَلَمْ يُؤْتَ سَعَةً مِنَ الْمَالِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ وَاللَّهُ يُؤْتِي مُلْكَهُ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ»^۹؛ «و پیامبرشان به آنان گفت که خداوند برای شما طالوت را به عنوان حاکم برانگیخته است! گفتند: چگونه برای او حکومت بر ما باشد، در حالی که ما به

۱. الأنعام / ۵۷

۲. التغابن / ۱

۳. الزمر / ۶

۴. الزمر / ۶

۵. الفرقان / ۲

۶. فاطر / ۱۳

۷. البقرة / ۲۴۷

۸. آل عمران / ۲۶

۹. البقرة / ۲۴۷

حکومت از او شایسته‌تر هستیم و او وسعتی از مال ندارد؟! گفت که خداوند او را بر شما برگزیده و از علم و نیروی جسمانی وسعت بخشیده است و خداوند حکومت خویش را به هر کس که بخواهد می‌دهد و خداوند گشاینده‌ای داناست».

این مبنای حاکمیت در اسلام است که خداوند در کتاب خود برای مردم تبیین فرموده و آنان را -چه در گذشته و چه در حال- به رعایت آن مکلف ساخته و با این وصف، هر کس از آنان که آن را رعایت کرده، کار خوبی انجام داده و هر کس از آنان که آن را رعایت نکرده، کار خوبی انجام نداده است و در هر صورت، ما از کار آنان بازخواست نمی‌شویم؛ چراکه آنان مسؤول کار خود بوده‌اند و ما مسؤول کار خود هستیم و انگیزه‌های آنان به ما مربوط نمی‌شود؛ چنانکه خداوند فرموده است: ﴿تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَلَكُمْ مَا كَسَبْتُمْ وَلَا تُسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾^۱؛ «آنان گروهی بودند که درگذشتند، برای آنان چیزی است که کسب کردند و برای شما چیزی است که کسب کردید و شما از چیزی که آنان انجام دادند بازخواست نمی‌شوید».

آری، ما به کسانی از آنان که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند، گمانی نیکو داریم؛ بدین صورت که آنان را به ارتداد یا نفاق یا خیانت متهم نمی‌کنیم، بلکه آنان را صرفاً در خطا، اشتباه و نسیان می‌شماریم و برای آنان به درگاه خداوند استغفار می‌کنیم و امیدواریم که او از دگرگونی آنان پس از پیامبرش بگذرد و آنان را از نزدیک شدن به حوض در روز قیامت محروم نفرماید و همراه با یاران سمت چپ به سوی آتش رهسپار نگرداند؛ چراکه خداوند بسیار بخشاینده و مهربان است. همچنانکه بنا بر روایات متواتر و مشهور یقین داریم همه‌ی آنان بر این خطا، اشتباه و نسیان اجتماع نکردند، بلکه درباره‌ی آن به دو گروه تقسیم شدند و گروهی از آنان مانند علی، سلمان، ابو ذر، مقداد، عمار، زبیر، حذیفه، جابر و زید بن ارقم رضی الله عنهم، از آن نهی کردند و بر رعایت مبنای حاکمیت در اسلام پای فشردند.^۲

۳ و ۴. حضرت علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی -این مسلمان حنیف- در سرتاسر کتاب ارزشمند خود «بازگشت به اسلام»، حتی در یک مورد به کتاب «کافی» استنادی نکرده، در حالی که در موارد بسیاری به کتاب «بخاری» استناد کرده و با این وصف، متهم کردن ایشان به جانبداری از کتاب «کافی» در برابر کتاب «بخاری»، نهایت تعصب و بی‌انصافی است.

۱. البقرة / ۱۳۴

۲. برای آشنایی بیشتر با این دو گروه، نگاه کنید به: مصنف عبد الرزاق، ج ۵، ص ۴۳۹، ۴۴۶، ۴۴۷ و ۴۷۲؛ مصنف ابن أبي شيبة، ج ۷، ص ۶۱۵؛ صحيح البخاري، ج ۸، ص ۲۵، ۲۶ و ۲۷؛ الإمامة والسياسة لابن قتيبة، ج ۱، ص ۱۶ تا ۲۰؛ تاريخ الطبري، ج ۲، ص ۴۴۳ و ۴۴۶؛ تاريخ يعقوبي، ج ۲، ص ۱۲۴؛ السقيفة وفدك للجوهري، ص ۳۷ به بعد؛ الإستيعاب في معرفة الأصحاب لابن عبد البر، ج ۳، ص ۹۷۴ و ۹۷۵؛ الكامل في التاريخ لابن الأثير، ج ۲، ص ۳۲۵ و ۳۳۱؛ المختصر في أخبار البشر لأبي الفداء، ج ۱، ص ۱۵۶؛ تاريخ الإسلام للذهبي، ج ۳، ص ۵ و ۶.

آری، ایشان درباره‌ی وجود روایات ضعیف و ساختگی در کتاب «کافی» توضیحی نداده، ولی این به سبب آن بوده است که اهل تشیع، به وجود روایات ضعیف و ساختگی در کتاب «کافی» اقرار دارند و به عنوان نمونه، روایات حاکی از تحریف قرآن در آن را نمی‌پذیرند و با این وصف، ضرورتی برای توضیح درباره‌ی آن نبوده و توضیح درباره‌ی آن توضیح واضح است، در حالی که اهل سنت، کتاب «بخاری» را کاملاً صحیح می‌پندارند و به وجود حتی یک روایت ضعیف و ساختگی در آن اقرار ندارند و با این وصف، توضیح درباره‌ی وجود روایاتی ضعیف و ساختگی در آن ضرورت داشته است؛ همچنانکه حضرت علامه خراسانی حفظه الله تعالی، به هیچ یک از کتاب‌های اهل تشیع -بر خلاف کتاب‌های اهل سنت- استنادی نکرده و علاوه بر آن، در بخش‌های مختلف کتاب خود، از انحرافات گوناگون اهل تشیع مانند تقلید از مراجع تقلید، اجتهاد بر مبنای تقلید، ولایت مطلقه‌ی فقیه، خرافه‌گرایی در دین و غلو درباره‌ی ائمه‌ی اهل بیت انتقاد فرموده و با این وصف، متهم کردن ایشان به جانبداری از اهل تشیع در برابر اهل سنت، بهتانی آشکار است.

آری، روشن است که جناب‌عالی انتقادهای این بزرگوار از اهل تشیع را دیده‌اید و آن‌ها را به معنای جانبداری از مذهب خود پنداشته‌اید و به همین دلیل اعتراضی به آن‌ها نکرده‌اید، ولی هنگامی که به انتقادهای ایشان از مذهب خود رسیده‌اید، آن‌ها را نپسندیده‌اید و به معنای جانبداری از اهل تشیع پنداشته‌اید و به همین دلیل، «انگیزه‌ای که قبل از خواندن کتاب به جناب علامه خراسانی داشتید را کاملاً از دست داده‌اید» و به اعتراض روی آورده‌اید، در حالی که روشن است نه آن انتقادهای ایشان از اهل تشیع، به معنای جانبداری از مذهب شماست و نه این انتقادهای ایشان از مذهب شما، به معنای جانبداری از اهل تشیع است، بلکه ایشان تنها با انگیزه‌ی امر به معروف و نهی از منکر و با تمسک به نصوص کتاب خداوند و سنت متواتر پیامبر این کار را کرده و در پی رضایت یا کراهت شما یا برادرانتان نبوده است؛ زیرا روشن است که ایشان موظف به پیروی از اهواء اهل سنت یا اهل تشیع نیست، بلکه موظف به تبیین اسلام راستین بر پایه‌ی عقل و شرع است، اگرچه هر کدام از اهل سنت و اهل تشیع او را به جانبداری از دیگری متهم سازند.

۵ و ۶. از اینجا دانسته می‌شود که ادعای مغرضانه و بی‌دلیل جناب‌عالی مبنی بر آنکه حضرت علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی از «ظن» یا «خیال» پیروی کرده، چیزی جز «ظن» یا «خیال» نیست که از اعماق جهل، تقلید و تعصب جناب‌عالی برخاسته است؛ چراکه مسلماً اعتقاد به ظهور مهدی یک اعتقاد «ظنی» یا «خیالی» نیست، بلکه از اصیل‌ترین و یقینی‌ترین اعتقادات مشترک اسلامی است؛ چنانکه بیش از چهل نفر از اصحاب

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مانند عبد الله بن مسعود، طلحة بن عبید الله، عبد الرحمن بن عوف، عبد الله بن عباس، عبد الله بن عمر، جابر بن عبد الله، حذیفه بن یمان، عمار بن یاسر، انس بن مالک، عمران بن حصین، عوف بن مالک، ابویوب انصاری، ابوسعید خدری، سلمان فارسی، جابر صدقی، ابوهریره، ابوأمیه، ثوبان، ام سلمه، عایشه و دیگران، خبر او را برای ده‌ها نفر از تابعان خود و بواسطه‌ی آنان برای صدها نفر از مسلمانان، از آن حضرت روایت کرده‌اند و بسیاری از ائمه‌ی حدیث، مانند ترمذی (د. ۹۷۲ق)، ابوی (د. ۳۶۳ق)، حاکم (د. ۵۰۴ق)، بیهقی (د. ۸۵۴ق)، بغوی (د. ۱۵۰ق)، ابن اثیر (د. ۳۶۰ق)، قرطبی (د. ۱۷۶ق)، مزی (د. ۲۴۷ق)، ذهبی (د. ۸۴۷ق)، هیشمی (د. ۷۰۸ق)، سخاوی (د. ۲۰۹ق)، سیوطی (د. ۱۱۹ق)، ابن حجر (د. ۴۷۹ق)، کتانی (د. ۵۴۳۱ق)، البانی (د. ۲۴۱ق) و دیگران، به صحت و تواتر آن تصریح نموده‌اند و بسیاری از آنان، مانند ابن ابی خيثمه (د. ۹۷۲ق)، ابن حماد (د. ۸۸۲ق)، ابن منادی (د. ۶۳۳ق)، ابو نعیم (د. ۳۴۰ق)، عبد الغنی (د. ۴۰۶ق)، حموی (د. ۵۶۰ق)، کنجی (د. ۸۵۶ق)، ابن قیم (د. ۵۸۶ق)، ابن کثیر (د. ۴۷۷ق)، سیوطی (د. ۱۱۹ق)، ابن حجر (د. ۴۷۹ق)، شوکانی (د. ۵۲۱ق) و دیگران، درباره‌ی آن کتب مستقلاً نگاشته‌اند و مضمون آن، موافق با وعده‌ی خداوند در قرآن است؛ همچنانکه اعتقاد به ضرورت زمینه‌سازی برای آن، مبتنی بر قرآن، سنت متواتر و حکم عقل است و با این وصف، کسی که چنین اعتقاد اصیل و محکمی را «ظنی» یا «خیالی» می‌شمارد، گویی طعم علم را نچشیده، بلکه بویی از آن را استشمام نکرده است!

از اینجا دانسته می‌شود که ادعاهای جناب‌عالی درباره‌ی کتاب شریف «بازگشت به اسلام»، تا چه اندازه از حقیقت و انصاف به دور است؛ همچنانکه آشکار می‌شود جناب‌عالی تا چه اندازه در جهل، تقلید، اهواء نفسانی، تعصب و تکبر فرو رفته‌اید که حتی قادر به فهم یک خط از این کتاب قرآنی و عقلانی نیستید و همه‌ی خطوط آن را که منطبق بر یقینیات اسلام است، متناقض می‌انگارید!! البته این‌ها که گفتیم، «مشتی نمونه‌ی خروار است»؛ زیرا در هر خط جناب‌عالی درباره‌ی این کتاب شریف، به قدری اشتباه، مغالطه و تحکم نهفته است که احصاء همه‌ی آن‌ها در این مختصر از حوصله‌ی ما بیرون است و موجب ملال خوانندگان می‌شود.

باری به هر جهت امیدواریم که جناب‌عالی خداوند و روز قیامت را به یاد آورید و دعوت این دعوت‌کننده‌ی صادق را اجابت کنید و به معیار شناخت حق تمسک جوید و از موانع شناخت آن خصوصاً جهل، تقلید، اهواء نفسانی، تعصب و تکبر فاصله بگیرید، تا خداوند به فضل خودش بر شما ترحم کند و شما را از این گمراهی دور و آشکار نجات دهد و به صراط مستقیم اسلام باز گرداند، پیش از آنکه فرصت را از دست بدهید و مرگ به شما برسد و آتشی که برای

گمراهان برافروخته شده است شما را فرا گیرد؛ چنانکه فرموده است: **﴿إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ﴾**^۱؛ «هرآینه کسانی که از راه خداوند گمراه می‌شوند برایشان عذابی شدید است به سبب اینکه روز حساب را از یاد بردند» و توفیق تنها از جانب خداوند است.



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌هاشی خراسانی
مجلس خبری رهبری قزوین

